

“دروغ، تبلیغات و مصرف تخدیر کننده”

رفیق شامی نویسنده سوری، آلمانی در باره شهر زادگاهش دمشق، ^[x] سلطه سرویس های اطلاعاتی مخفی و امید نو.

... در سوریه فساد اداری ابعادی غیر قابل مقایسه در سطح جهان، صرفنظر از روسیه، به خود گرفته است. روستائی زادگان تهی دست - برادران، پسر عموها و برادران همسر رئیس جمهور - به سن سی سالگی نرسیده میلیاردر شده اند، اما دانشمندان دارای درجه دکترا و متخصصین کمپیوتر مجبورند جهت امرار معاش تاکسی برانند. جرقه ای که در تونس زده شد به سوریه هم منتقل شده است. اما سوری ها می دانستند که رژیم سرکوبگراست، از این رو اولین تظاهر کنندگان متواضعانه خواستار مبارزه با فساد اداری و مجازات سازمان های امنیت سرکوبگر بودند. این برای بشار الاسد یک شانس تاریخی بود، اما او دستور تیراندازی به تظاهر کنندگان وشکنجه وحشیانه زندانیان حتا کودکان را صادر کرد.

روزنامه اخبار لوبک(ل. ن): در مجموعه داستان ” زنی که همسر خود را در بازار مکاره فروخت ” دمشق را “زیباترین شهر جهان” نامیده ئید. چه چیز این شهر را لایق چنین عنوانی می کند؟

ر. شامی: دمشق شهر کهنسالی است، قدمت او هشت هزار سال تخمین زده می شود. او پایتخت یک امپراطوری و پذیرای خلقها و فرهنگ های متعددی بوده است. من زمانی دمشق را “گنجینه فرهنگ ها” نامیدم. این مشخصه اهالی دمشق را تحت تاثیر قرار داده و آنها را بسیار مهمان نواز و مسالمت جو می کند. به همین دلیل برای دیکتاتورها هیچ گاه مشکل نبوده سلطه خود بر شهر را حاکم کنند.

ل. ن: در زمان حاکمیت پرزیدنت بشارالاسد چهره شهر چه تغییری کرده است؟

ر. شامی: یک تغییرهمین رشد ناسالم و انفجاری جمعیت است. در سالهای دهه ۱۹۶۰ که من در آنجا زندگی می کردم، جمعیت دمشق نیم میلیون بود. امروز پنج میلیون است. روستا گریزی بسیاری از روستائیان را به شهرها سرازیر کرد و دمشق هرچه بیشتر حالت

روستائی به خود گرفت. شهر جدید هیولائی است با بزرگراه های شش باندی سرریز از ماشین. با این همه می شد آنرا تحمل کرد. اما فقدان آزادی را نه. در دمشق سازمان امنیت بیش از ۲۵۰۰۰۰ هزار کارمند دارد. آنها همه چیز را خفه می کنند، و دیگر آن آرامش دوران کودکی من وجود ندارد. افراد حتا از جانب جاسوس ها در محیط خانواده در امان نیستند. ترس حکمفرماست، و کسی در باره آن صحبت نمی کند، از شرم. اینها به وجهه شهر به عنوان شهری فرهنگی خدشه وارد کرده است. این واقعیت دمشق های از هر نظر بلند پرواز را به مصرف کنندگان مطیع تبدیل کرده است.

ل.ن: اما سوری ها از ماه مارس برای آزادی خود مبارزه می کنند. آیا این مبارزه شما را غافلگیر کرد؟

ر. شامی: در واقع این خیزش نه تنها مرا، بلکه سازمان امنیت، اپوزیسیون در داخل و خارج کشور را غافلگیر کرد و آموخت که امید را هرگز نباید از دست داد. من باید اذعان کنم: ۳۵ سال تمام علیه دیکتاتور مبارزه کردم، اما چند سال پیش تمام امیدم را از دست دادم. من در خود احترامی ژرف در برابر انسانهای جسوری که روز به روز در خیابان اعتراض می کنند، احساس می کنم. بسیاری از آنها از بستگان خود خدا حافظی می کنند، زیرا که نمی دانند، آیا به خانه باز خواهند گشت. آیا بی نهایت غم انگیز نیست، که انسانهایی تا به این درجه خود را به مخاطره می اندازند، تا سوری ها در آینده در آزادی زندگی کنند؟

ل.ن: شما این نکته را چگونه توضیح می دهید؟

ر. شامی: معضلات بزرگ اقتصادی تعیین کننده بوده اند. در سوریه فساد اداری ابعادی غیر قابل مقایسه در سطح جهان، صرفنظر از روسیه، به خود گرفته است. روستائی زادگان تهی دست - برادران، پسر عموها و برادران همسر رئیس جمهور - به سن سی سالگی نرسیده میلیارد شده اند، اما دانشمندان دارای درجه دکترا و متخصصین کمپیوتر مجبورند جهت امرار معاش تاکسی برانند. جرقه ای که در تونس زده شد به سوریه هم منتقل شده است. اما سوری ها می دانستند که رژیم سرکوبگراست، از این رو اولین تظاهر کنندگان متواضعانه خواستار مبارزه با فساد اداری و مجازات سازمان های امنیت سرکوبگر بودند. این برای بشار الاسد یک شانس تاریخی بود، اما او دستور تیراندازی به تظاهر کنندگان و شکنجه وحشیانه زندانیان حتا کودکان را صادر کرد.

ل.ن: آیا حمله نظامی غرب را درست می دانید؟

ر. شامی: نه، این عمل نه تنها غلط، بلکه فاجعه انگیز است. سوری ها توان آنرا دارند که خود رژیم را سرنگون کنند. غرب تنها باید صادق باشد و به حمایت مخفیانه از رژیم پایان دهد.

ل.ن: پس از اسد چه وضعی باید حاکم گردد؟

ر. شامی: یک دوره طولانی گذار، که سوری ها در طی آن خود را دوباره بیابند، یاد بگیرند یکدیگر را ببخشند، دست در دست هم بگذارند، گذشته را فراموش نکنند، اما آنرا به وزنه سربی بر پاها نیز تبدیل نکنند. کشور را سامانی نو دهند، محتوای کتابهای درسی را تصحیح کنند، بوروکراسی و فساد اداری را از بین ببرند، به حقوق اقلیت ها احترام بگذارند، جدائی دین از دولت را برقرار کنند. تازه پس از آن است که خواهیم توانست به ساختن دموکراسی پردازیم.

ل.ن: شما به دلیل احساس خفگی از سانسور سوریه را سال ۱۹۷۰ ترک کردید. با این همه تخلص "رفیق شامی" را انتخاب کردید، که به معنای "دوست دمشق" است. آیا هنوز هم دوست دمشق هستید؟

ر. شامی: بله، و برای همیشه خواهم بود. رفیق شامی برای من تخلصی نیست مانند یوسف یا علی شاهین، بلکه یک موضع است. در واقع انتخابی است برای نهادینه کردن عشق به این شهر در وجودم.

روزنامه اخبار لوبک، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱

ترجمه: کامران صادقی